

## بحران قره باغ، تحرکات آمریکا و امنیت منطقه

امریکا در ازای این امتیاز از جمهوری آذربایجان می‌خواهد تا خاک خود را در اختیار امریکا قرار دهد تا برای جمع آوری اطلاعات از ایران و هم چنین حمله نظامی احتمالی علیه این کشور از آن استفاده کند

سرویس آذربایجان /خبرگزاری آران  
خبرگزاری آران / سرویس آذربایجان : یک روزنامه روسی اخیرا از پیشنهاد آمریکا به جمهوری آذربایجان برای حل قهرآمیز بحران قره باغ خبر داده و نوشته است که امریکا در ازای این امتیاز از جمهوری آذربایجان می‌خواهد تا خاک خود را در اختیار امریکا قرار دهد تا برای جمع آوری اطلاعات از ایران و هم چنین حمله نظامی احتمالی علیه این کشور از آن استفاده کند. محمد فرهاد کلینی، سفیر سابق ایران در ارمنستان ابعاد بحران قره باغ و تحولات اخیر در این منطقه را برای دیپلماسی ایرانی شرح داده است.  
بحران قره باغ میراثی است که از زمان اتحاد جماهیر شوروی در حوزه قفقاز باقی مانده است و بلافاصله بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، مانند مین خنتی نشده ای در ژئوپلیتیک قفقاز قرار گرفت و خودنمایی کرد.

متعاقب این مسئله، با توجه به اختلافاتی که کشورهای جمهوری آذربایجان و ارمنستان از نظر بعد جغرافیایی با یکدیگر داشتند، این بحران کماکان ادامه دارد و حل نشده باقی مانده است.  
در این میان جمهوری اسلامی ایران همواره تلاش کرده که سیاستی متوازن و متعادل نسبت به همسایگان خود داشته باشد و در این راستا از گذشته تلاش کرده تا بتواند اختلافات موجود بین طرفین را حل کند.

بنابر این موضوع علاقه ایران نسبت به ایجاد آرامش نسبت به همسایگانش، موضوع جدیدی نیست و از گذشته در دستور کار ایران قرار داشته است.  
در خصوص موضوع میانجی گری درباره این بحران، امروزه شاهد تلاش شانزده ساله گروه مینسک هستیم تا بتواند این بحران را مدیریت کند. در گروه مینسک علی رغم نقشی که فرانسه، روسیه و امریکا دارند و تلاشی که نمایندگان آن ها دنبال می‌کنند اما این تلاش ها تا به حال به نتیجه مطلوب منتهی نشده است.  
البته امریکا و اتحادیه اروپا از نقش برتر و تکررانه روسیه در قفقاز خشنود نیستند و علاقه پایدار روسیه به عدم حل سریع موضوع قره باغ را درک می‌کنند و دراین چارچوب سعی کرده اند که از این وضعیت فرصت سازی کنند تا با اقدامات فرسایشی، عمر گروه مینسک را طولانی کنند.  
قابل ذکر است که طی شانزده سال اخیر تنها بند اول که مرتبط با آتش بس بوده است بصورت ناقص توسط طرفین رعایت شده است.  
البته در این شرایط اتحادیه اروپا مواضع نسبتا متعادل تری را دنبال کرده است، اما این موضوع برابر با اراده برای حل و فصل بحران قره باغ نبوده است.  
از طرف دیگر باید توجه داشت که اخیرا حاشیه هایی بر موضوع استراتژیک جدید در حال آشکار شدن است، به نظر می‌رسد که توافقات ژئوپلیتیک روسیه و امریکا هم تا حدودی در حال تغییر است.  
این تغییر مواضع امریکا و روسیه در حوزه ژئوپلیتیک را می‌توان در مسئله افغانستان و تا حدی در منطقه قفقاز مشاهده کرد. البته این موضوع بیشتر در منطقه قفقاز شمالی و خصوصا در بحث گرجستان خود را نشان داد.

لیکن در شرایط موجود با توجه به این که روسیه در ماه های اخیر، اجلاس های چندجانبه ای را با طرفین برگزار کرده است، به نظر می‌رسد روسیه تلاش می‌کند که نقش برتر و انحصاری تری را در موضوع حل بحران قره باغ از خود به نمایش گذارد.

اخیرا در اخبار گفته می‌شود که امریکا در خصوص حل بحران قره باغ چراغ سبزی را به باکو نشان داده است، این خبر را منابع روسی و خصوصا هفته نامه "آرگومنتی نیدلی" چاپ مسکو در شماره اخیر خود به چاپ رسانده و مدعی شده است که واشنگتن کارت سبز برای توسل به گزینه نظامی در رابطه با مناقشه قره باغ را به باکو داده است.

به این ترتیب که واشنگتن اعلام کرده است مانع توسل آذربایجان به گزینه جنگ برای بازگردانی اراضی اشغالی خود نخواهد شد، مشروط بر اینکه این عملیات به سرعت انجام شود. ودولت آمریکا متقابلا خواسته است که اجازه استفاده از اراضی آذربایجان در عملیات علیه ایران را بدهد.

و علی الظاهر امریکا خواستار استفاده از اراضی آذربایجان در عملیات شناسایی و عملیات ویژه در رابطه با ایران شده تا استفاده از اراضی آذربایجان در عملیات گسترده نظامی علیه ایران را امکان پذیر بنماید.

امریکایی ها در هفته های گذشته در خصوص مسئله تاجیکستان نیز مواضع قابل توجهی را اتخاذ و اعلام کرده اند که در حوزه تاجیکستان خود را رقیب روسیه نمی‌دانند. اما این که چرا این موضوع مطرح می‌شود و امریکا سعی می‌کند در این حوزه تحریکی را ایجاد کند، قابل توجه است.

امریکا تلاش هایی در حوزه حفظ مواضع نظامی - امنیتی خود در مسائل عراق و افغانستان دنبال می‌کند، به نظر می‌رسد که این اقدامات، نوعی تحریک و تردید آمیز است و لازم است تا مقامات امریکا نسبت به این گونه اخبار واکنش نشان دهند تا از هرگونه سوء تفاهم جدید در منطقه جلوگیری کنند.

اخیرا بانگ جنگ نیز توسط برخی از مقامات غیر دولتی آذربایجان بیشتر از گذشته به گوش می‌رسد و این موضوع می‌تواند به تدریج هایی که خواهان مسیری غیر از مذاکرات هستند کمک کند تا نقش فعال تری را در توازن سیاست داخلی به عهده بگیرند.

بدیهی است در صورتی که شاهد یک اتفاق و عملیات سریع باشیم، در درجه اول آذربایجان تلاش خواهد کرد تا مناطق حاشیه قره باغ را عملیاتی کند تا هرگونه تضمین امنیتی برای آینده مذاکرات را به نفع خود تغییر دهد و این موضوع می‌تواند حاوی یک ریسک استراتژیک باشد.

چون هرگونه عدم موفقیت می‌تواند همین دستاورد های کوچک در مذاکرات را بی نتیجه کند. اگرچه امروزه سطح آمادگی آذربایجان نسبت به گذشته افزایش یافته است، ولی این به معنای ضعیف شدن نیروهای ارمنی نیست و به نظر می‌رسد که روسیه هرگز ارمنستان را تنها نخواهد گذاشت و رها نیز نخواهد کرد.

آغاز جنگ به معنای به خطر افتادن امنیت انرژی است و نقش آذربایجان را به عنوان یکی از منابع انرژی و دهلیز منطقه ای تضعیف می‌کند. بایستی دید از تضعیف آذربایجان چه نیروی و چه کشورهای سود خواهند جست.

روابط ایران و قفقاز یک رابط متوازن و دوستانه و رو به رشد است. این همکاری ها با تلاش مسئولین و پیگیری سفرها عملا به یک زیر ساخت همکاری منطقه ای نیل پیدا کرده است و این دور از ذهن نیست که برخی جریانات در قدرت های فرا منطقه ای بدنبال ایجاد نوعی بدبینی و شکاف بین ملت ها و دولت های منطقه باشند.

دولت آذربایجان همواره سعی کرده است که روابط متعادل و دوستانه ای با ایران داشته باشد و این موضع را طی تماس ها و همکاری های بین دو کشور در دو دهه اخیر انجام شده است، به نظر می‌رسد که احتمالا امریکا به این وسیله قصد داشته باشد در ادامه اقدامات قبلی خود که با تل آویو دنبال می‌کرد، یک جنگ روانی در حوزه سیاست خارجی آذربایجان ایجاد کند.

از طرف دیگر آذربایجان در یک تخمین بسیار بعید و بسیار ضعیف و فرضی به خوبی واقف است که تبدیل شدن به ابزار اطلاعاتی و نظامی امریکا بر علیه ایران نیازمند توان بسیار قوی و بسیار پر هزینه خواهد بود و افرادی که این غوغا را دنبال می‌کنند به خوبی می‌دانند که نه توان چنین اقدامی و نه امکانات لازم برای این کار را در اختیار ندارند.

در گذشته، همکاری هایی که جمهوری آذربایجان با غرب داشته است بر سیستم های رادار در منطقه متمرکز بوده است که البته روسیه هم در این باره، خصوصا موضوع رادار "قیله" منتفع شده است. این موضوع صرفا متوجه ایران نیست که بتوان درباره آن قضاوت تهدیدآمیز داشت.

مجموعا آن چه مشاهده می شود، نشان می دهد که دولت باکو هوشیارتر از آن است که بخواهد تحت تاثیر بعضی از این تحریکات رسانه ای قرار گیرد و روابط پایدار و سنتی خود را با کشور همسایه و برادر ایران در معرض خطر قرار دهد و یا این که امریکا با این همه گرفتاری در منطقه دست به یک ماجراجویی جدید بزند.

بدیهی است اینگونه اخبار و مطالب در اولویت اول باعث نگرانی محافل امنیتی و نظامی مسکو شده است چرا که روسیه در این اواخر سیاست برتری را نسبت به دیگر بازیگران گروه مینسک بازی می کند و این می تواند باعث تحریک رقبای روسیه شده باشد.

پایان پیام.